

مقدمه

در پی حمله نظامی آمریکا در سال ۲۰۰۳ به بهانه خلع سلاح عراق و در جهت اجرای قطعنامه ۱۴۴۱ شورای امنیت، سرانجام رژیم صدام در تاریخ ۹ آوریل ۲۰۰۳ سقوط کرد و آمریکایی‌ها سرنوشت این کشور را عملاً در دست گرفتند. با پایان یافتن ماموریت اولین حاکم نظامی آمریکایی یعنی سرلشکر بازنشسته جی گارنر و سپری شدن ماموریت ۱۵ ماهه شورای حکومتی به ریاست فرد دیگری به نام پل برمر، اداره امور عراق با هدایت مستقیم آمریکا به دست دولت موقت عراق سپرده شد که تا زمان برگزاری اولین انتخابات سراسری عراق در ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ (۱۱ بهمن ۸۳) مسوولیت اداره کشور را به عهده گرفت.

بر مبنای تصمیمات سازمان ملل و به منظور اجرای قطعنامه ۱۴۴۱، ۱۵۱۱ و ۱۵۴۶ این سازمان در جهت تکمیل روند سیاسی، دولت موقت عراق ماموریت یافت تا زمینه را برای برگزاری انتخابات سراسری و تشکیل مجلس ملی موقت (مجمع ملی عراق) فراهم نماید. اولین انتخابات سراسری عراق در تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ برای انتخاب اعضا پارلمان موقت و به منظور تدوین پیش نویس قانون اساسی جدید این کشور علیرغم مخالفت‌ها و تنش‌های گسترده موجود میان گروه‌ها و احزاب سیاسی شرکت‌کننده و تهدیدات خشونت‌آمیز گروه‌های

افراطی نظیر القاعده و شبه نظامیان وابسته به رژیم بعث، تحت تدابیر شدید امنیتی با پشتیبانی نظامیان آمریکایی برگزار گردید و در پی آن ۲۷۵ عضو این مجمع انتخاب گردیدند. در این انتخابات بیش از ۶۵ درصد واجدین شرایط شرکت نمودند.

همانگونه که پیش‌بینی می‌گردید برندگان اصلی این انتخابات شیعیان و کردهای عراقی معرفی گردیدند که در نتیجه در این انتخابات شیعیان ۱۴۰ کرسی پارلمان را به خود اختصاص دادند. در این رای‌گیری بسیار حساس که در واقع اولین انتخابات چند حزبی طی ۵۰ سال گذشته در عراق محسوب

می‌گردید میلیون‌ها عراقی برای انتخاب اعضای پارلمان موقت آزادانه در پای صندوق‌های رای حاضر شدند. بر اساس قانون اجرایی موقت که پس از سقوط صدام از سوی اشغالگران آمریکایی تهیه و به مورد اجرا گذارده شد، وظیفه اصلی مجلس ملی موقت، تهیه پیش نویس قانون اساسی جدید عراق و انجام همه‌پرسی آن تعیین گردید تا زمینه لازم جهت برگزاری انتخابات اصلی و نهایی عراق در تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۰۵ (۲۴ آذر ماه ۸۴) فراهم گردد تا این که دولت منتخب دایمی و مردمی بر سر کار آید. پیش نویس قانون اساسی جدید عراق که

تحولات عراق و منافع ایران

♦ ا. احسانی



مهم‌ترین دستاورد مجمع ملی عراق به حساب می‌آید از سوی کمیته ۷۱ نفره تدوین قانون اساسی عراق مشتمل بر ۱ مقدمه، ۶ فصل و ۱۵۳ اصل پس از چندین بار اصلاحات و تمدید مهلت، سرانجام در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۰۵ به تأیید این کمیته رسید و جهت تصویب نهایی تقدیم پارلمان گردید.

علیرغم مبهم و کلی بودن متن قانون اساسی و مخالف شدید بعضی از احزاب، از جمله حزب علمای مسلمانان عراق به عنوان مهم‌ترین ارکان مذهبی گروه‌های اهل سنت، وابستگان حزب بعث و سایر گروه‌های مخالف روند اجرای دموکراسی که هم اکنون خود را در اقلیت سیاسی می‌دیدند با بعضی از مواد بنیادین آن از جمله: بحث فدرالیسم، هویت عراق، منابع قانونگذاری و نقش اسلام در آن. چگونگی تقسیم ثروت میان دولت فدرال و گروه‌های شیعه، سنی و کردها، شرکت اعضای سابق حزب بعث در ارگان‌های دولتی، بحث اختیارات رئیس‌جمهور و دولت... سرانجام پیش‌نویس قانون اساسی پس از بحث‌ها و مشاجرات طولانی با

وساطت مستقیم زلمای خلیل زاد، سفیر فعلی آمریکا در عراق به عنوان برجسته‌ترین عضو پشت پرده کمیته تدوین قانون اساسی، از تصویب پارلمان نیز گذشت و با توصیه وی مقرر گردید که موارد مورد اختلاف فی‌مابین گروه‌های موافق و مخالف قانون اساسی پس از تشکیل دولت دایمی مجدداً مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد. سرانجام همه پرسى قانون اساسی در تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۰۵ (۸۴/۷/۲۳) در سراسر عراق انجام گرفت و به گفته کمیساریای عالی انتخابات عراق بیش از ۱۰ میلیون عراقی (حدود ۷۵ درصد) از ۱۵ میلیون نفر جمعیت واجد شرایط رای دادن در این فرآیند شرکت نمودند و به قانون اساسی پیشنهادی پارلمان رای مثبت دادند.

همانگونه که پیش‌بینی می‌شد استان‌های سنی نشین صلاح‌الدین و الانبار به این قانون اساسی رای منفی دادند اما آنچه که مهم و غیر قابل پیش‌بینی بود نقش استان سوم سنی نشین یعنی استان نینوا در این همه پرسى بود که حدود ۴۴ درصد از مردم این استان به قانون اساسی رای مثبت و حدود ۵۶ درصد نیز به آن رای منفی دادند. گفتنی است بر طبق قانون اداره موقت عراق چنانچه دو سوم از جمعیت

رای‌دهنده در ۳ استان از ۱۸ استان عراق به قانون اساسی رای منفی دهند این قانون مردود شناخته شده و به تصویب نخواهد رسید.

سومین و آخرین مرحله انتخابات سراسری و در راستای تکمیل روند ثبات بخشی به عراق به رهبری و هدایت آمریکا در تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۰۵ با مشارکت حدود ۷۰ درصد از واجدین شرایط رای دادن به طور همزمان در عراق و ۱۵ کشور خارجی برگزار گردید. این انتخابات از آن جهت حایز اهمیت است



عراق نقطه آغاز سیاست‌های توسعه طلبانه آمریکا در خاورمیانه و ایجاد کشوری طرفدار اسرائیل است

که با تصویب قانون اساسی عراق نخستین پارلمان دایمی و دولت مردمی برای مدت چهار سال در این کشور شکل خواهد گرفت ضمن این که کلیه بازیگران خارجی در عراق از جمله کشورهای همسایه، اتحادیه اروپا، آمریکا، روسیه و حتی رژیم صهیونیستی با توجه به ترکیب پارلمان و دولت آینده به تنظیم مناسبات واقعی و سیاست‌های آتی خود اهتمام خواهند ورزید. از ویژگی‌های دیگر این مرحله از

انتخابات حضور گسترده اهل سنت عراق است که به غیر از هیات علمای مسلمان عراق سایر گروه‌های مطرح سنی از جمله حزب اسلامی عراق، کنگره اهل سنت عراق و شورای گفت‌وگوی ملی که با یکدیگر جبهه توافق ملی را تشکیل داده بودند به طور چشمگیری در این انتخابات شرکت نمودند که موجبات خوشحالی و رضایت خاطر دبیر کل سازمان ملل، کاخ سفید و برخی از متحدین آمریکا را نیز فراهم ساخت و این در حالی بود که گروه‌های اهل سنت انتخابات سراسری ۳۰ ژانویه را به طور کلی تحریم کرده بودند.

به گفته رییس کمیسیون عالی انتخابات عراق بین ۱۰ تا ۱۱ میلیون نفر از جمعیت ۱۵/۵ میلیونی واجد شرایط (حدود ۷۵ درصد) در پای صندوق‌های رای حاضر شدند. در این انتخابات برای برگزیدن ۲۷۵ نماینده محلی، ۹۹۶ گروه شامل ۳۰۷ تشکل سیاسی و ۱۹ ائتلاف بزرگ، در قالب ۷۶۵۵ داوطلب نمایندگی با یکدیگر به رقابت پرداختند. لازم به ذکر است که از جمله وظایف مجلس جدید عراق انتخاب رییس‌جمهوری به همراه دو

معاون وی (شورای ریاست جمهوری) و سپس انتخاب نخست‌وزیر و نهایتاً تشکیل کابینه دایمی است که پس از اخذ رای اعتماد از این مجلس عملاً فعالیت خود را شروع خواهد نمود.

قبل از آن که نتایج حاصله از انتخابات و چالش‌های فراروی دولت آینده عراق مورد تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری قرار گیرد. لازم است مروری هر چند گذرا به چگونگی نگرش سیاسی بازیگران داخلی و خارجی صحنه سیاسی عراق در راستای تأمین منافع آتی هر یک از آنها داشته باشیم.

نقش بازیگران داخلی و خارجی عراق

الف: بازیگران داخلی: همانگونه که در بخش پیش گفتار ذکر شد مهم‌ترین گروه‌ها و احزاب سیاسی عراق که به احتمال قوی اکثریت کرسی‌های پارلمان میان آنان تقسیم خواهد شد به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

گروه اول: ائتلاف یکپارچه (متحد) عراق یا ائتلاف شیعی متشکل از ۱۶ تشکل سیاسی زیر که البته استخوان‌بندی این ائتلاف را دو حزب بزرگ مجلس اعلا انقلاب اسلامی عراق به رهبری سیدعبدالمعز حکیم و حزب الدعوه به رهبری ابراهیم

جعفری (نخست وزیر فعلی عراق) تشکیل می‌دهند: مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، حزب الدعوه، حزب فضیلت اسلامی، فراکسیون مقتدی صدر، سازمان بدر، جنبش دموکرات‌های عراق، اتحاد اسلامی ترکمن‌های عراق، جنبش حزب الله عراق، جنبش سیدالشهداء، جماعت العدالة، حزب تجمع الوسط، حزب العدل، حزب مساوات، هیات گردهمایی اصلاح و سازندگی و بالاخره حزب آزادگان عراق. گروه دوم: فهرست ائتلاف کردهای عراق (ائتلاف کردستان) مشتمل از ۸ گروه سیاسی به ویژه حزب عمده اتحادیه میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی و حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی به همراه گروه‌هایی از ترکمن‌ها، مسیحیان و حزب کمونیست عراق. گروه سوم: با نام حزب کنگره ملی عراق در قالب ۲۰ تشکل سیاسی لیبرال و سکولار رُشعی به رهبری احمد چلبی که مهم‌ترین این گروه شامل کنگره ملی و سلطنت‌طلبان طرفدار مشروطه هستند.

گروه چهارم: فهرست ملی عراق یا فهرست العراقیه وابسته به گروه‌های اهل سنت. در این ائتلاف علاوه بر تعداد قابل توجهی از رهبران قبایل سنی مذهب، ۳ گروه اصلی سنت شامل: حزب اسلامی عراق، کنگره اهل سنت. شورای گفت‌وگوی ملی در قالب جبهه توافق ملی به رهبری ایاد علاوی به عنوان مهم‌ترین تشکل سیاسی اهل سنت که مخالف نبرد مسلحانه هستند در این انتخابات شرکت نمودند.

شایان ذکر است که در این انتخابات ائتلاف‌های دیگری نیز شرکت نمودند که عبارتند از: جبهه وفاق عراق، جبهه گفت‌وگوی ملی عراق. اتحاد اسلامی کردستان، گروه آینده عراق، گروه مستقل تکنوکرات‌های عراق، فهرست صلح ملی عراق، درود ملی، حزب آشتی و آزادی و بالاخره حزب پارلمان نیروهای ملی.

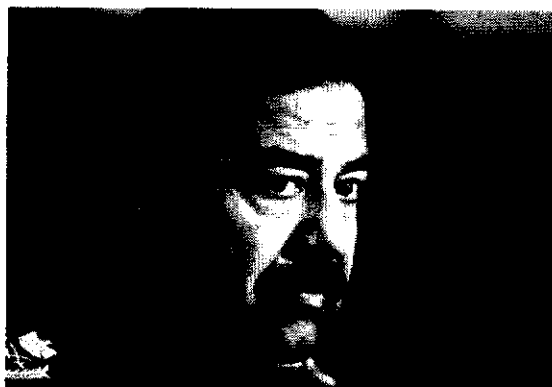
ب: بازیگران خارجی

بلاشک آمریکا به عنوان فعال‌ترین بازیگر خارجی در عراق محسوب می‌گردد که تاکنون هزینه‌های گزافی را در این کشور بخران زده صرف نموده و تلفات نسبتاً قابل توجهی را نیز متحمل گردیده است. بر اساس استراتژی جدید کاخ سفید در راستای طرح خاورمیانه بزرگ، کشور عراق در حوزه منافع حیاتی نومحافظه‌کاران جنگ طلب آمریکایی قرار گرفته و تشکیل یک عراق جدید با ویژگی‌های فدرالیسم،

دموکراتیک و تکثرگرا می‌تواند گزینه مقبول دولتمردان آمریکایی و دیگر متحدانش باشد.

عراق جدید به عنوان نقطه آغازین سیاست‌های توسعه‌طلبانه آمریکا در خاورمیانه و ایجاد کشوری که در آینده طرفدار رژیم صهیونیستی باشد در واقع آخرین مرحله از جدول زمانی انتقال قدرت و در جهت اجرای قطعنامه ۱۵۴۶ شورای امنیت محسوب می‌گردد که علی‌رغم چالش‌ها و خشونت‌های موجود ناشی از اختلافات درون گروهی بازیگران داخلی، آمریکایی‌ها آن را به آرامی پشت سر نهادند تا بدینوسیله رضایت خاطر جامعه بین‌المللی به ویژه افکار عمومی آمریکا را در ایجاد کشوری با ساختار سیاسی دموکراتیک جلب نمایند و نهایتاً زمینه بازگشت و عقب‌نشینی ابرومندانه نظامیان خود از عراق را در آینده نه چندان نزدیک فراهم سازند. دیگر بازیگر مهم خارجی عراق جدید یقیناً رژیم صهیونیستی است که با تحریک آمریکا جهت حمله نظامی به عراق، حضور فیزیکی خود را در این کشور، به برخورداری از چتر سیاسی، نظامی آمریکا بیش از پیش توسعه داده و هم اکنون کردستان عراق را

بر اساس استراتژی کاخ سفید و در راستای طرح خاورمیانه بزرگ عراق فدرال گزینه مقبول آمریکا و متحدانش خواهد بود



بهترین عرصه جهت اجرای سیاست‌های آتی خود در حوزه سیاسی، امنیتی و اقتصادی انتخاب نموده است.

بدیهی است سایر بازیگران خارجی که خود را همسو یا سیاست‌های آمریکا در قبل و چه بعد از تهاجم نظامی به عراق نموده‌اند از جمله روسیه، فرانسه و برخی از کشورهای عربی منطقه که از هم اکنون سهم آتی خود را در روند بازسازی عراق از کانال آمریکا جست‌وجو می‌نمایند.

نتیجه انتخابات نهایی و ترکیب احتمالی دولت آینده

فهرست ائتلاف یکپارچه عراق به رهبری عبدالعزیز حکیم در اکثر استان‌های عراق بیشترین آرا را از آن خود نموده است و این در حالی است که مرجعیت شیعه بر خلاف انتخابات گذشته به طور صریح از این ائتلاف حمایت نمود. و به دنبال آرا این ائتلاف شیعی سایر ائتلاف‌ها از قبیل ائتلاف اهل سنت، ائتلاف گروه‌های کرد و گروه‌های وابسته به ایاد علاوی به ترتیب در مکان‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

در این انتخابات گروه‌های اهل سنت که تحریم انتخاب ۳۰ ژانویه را یک خطای استراتژیک عنوان کرده‌اند علیرغم وجود برخی از تهدیدات و شائبه‌های تبلیغاتی از سوی گروه‌های افراطی و شبه نظامیان مسلح وابسته به حزب بعث و حتی حرام دانستن شرکت در آن از سوی این قبیل گروه‌ها به طور گسترده در پای صندوق‌های رای حاضر شدند که این مساله حیرت و تعجب مسوولان برگزارکننده انتخابات را برانگیخت. بدیهی است گروه‌های اهل سنت میانه‌رو با درک شرایط و فضای حاکم بر عراق و موقعیت سایر گروه‌ها به ویژه ائتلاف شیعیان، با انگیزه کسب امتیاز بیشتر در ساختار سیاسی آینده خود را ملزم به شرکت در انتخابات نمودند. ناگفته نماند که

رایزنی‌های مستمر زلمای خلیل‌زاد از یک سو و تبلیغات مثبت و نوید بخش گروه‌های شیعه و کرد در راستای تشکیل دولت وحدت ملی از سوی دیگر تأثیر به‌سزایی در شرکت گسترده اهل سنت در انتخابات داشته است.

از سوی دیگر، شیعیان نیز برای حفظ حقوق شایسته خود، کردها و ترکمن‌ها هم در جهت کسب حداکثر امتیازات در این انتخابات شرکت فعال نمودند.

همچنین یکی از اعضای بلندپایه ائتلاف یکپارچه اظهار نمود: علیرغم این که شیعیان

برنده نهایی انتخابات خواهد بود اما دولت آینده از ائتلاف میان رقبای سیاسی مطرح تشکیل خواهد شد. به گفته وزیر خارجه فعلی عراق تشکیل دولت آینده دشوارتر از قبل خواهد بود، زیرا بیش از دو ائتلاف عمده شیعیان و کردها ائتلاف‌های دیگری نیز در ترکیب دولت آینده نقش خواهند داشت.

از سوی دیگر رییس جبهه توافق اهل سنت ابراز امیدواری کرد که دولت آینده ائتلافی از شیعیان و اهل تسنن به همراه

کردها و گروه‌های سکولار باشد. در همین رابطه دبیر کل حزب اسلامی اهل سنت در دیدار با عادل عبدالمهدی معاون رییس جمهور و یکی از مسوولان فهرست ائتلاف یکپارچه به منظور حل اختلاف نظر در زمینه نتایج انتخابات که مورد اعتراض برخی از گروه‌های اهل سنت بود، از توافق حاصله برای تشکیل دولت وحدت ملی که مورد تایید آیت‌الله سیستانی نیز می‌باشد در آینده نزدیک خبر داد.

از آنجایی که فهرست ملی عراق مرکب از ۱۵ تشکل سنی، شیعی و سکولار با ویژگی اعتقادی به مفاهیم لیبرالیستی و شعار جدایی دین از سیاست به رهبری ایاد علاوی که گزینه بسیار مطلوب آمریکایی‌ها در میان شیعیان نیز می‌باشد چنین به نظر می‌رسد که این اتحاد جدید به عنوان مهم‌ترین اپوزیسیون داخل مجلس در مقابل ائتلاف یکپارچه و کردها در آینده صف‌آرایی و مقابله نماید.

شایان ذکر است که در این ائتلاف (فهرست ملی عراق) شخصیت‌های مقبولی نظیر قاضی الیاور معاون رییس جمهوری فعلی حاجم الحسینی (رییس مجمع ملی عراق) و سعدون الدلیسی (وزیر دفاع عراق) نیز حضور فعال دارند.

عراق جدید و اثرات آن بر منافع جمهوری اسلامی ایران

به عقیده کارشناسان سیاسی کشور عراق به لحاظ پیچیدگی اجتماعی، فرهنگی، نژادی و مذهبی و نهایتاً موقعیت ژئوپلیتیک، ایجاد نوعی دموکراسی فراگیر را همواره با مشکل مواجه نموده است. از آن جایی که سنت دموکراسی در عراق پیشینه شکننده و سستی داشته و حتی این کشور یک نظام دموکراتیک محلی را نیز تاکنون تجربه ننموده است، لذا آینده تحولات جاری که تمایل به تاسیس دموکراسی در عراق دارد طبیعتاً تیره و مبهم است. به طور کلی در جوامعی که با شاخص‌های مذهبی،



استقرار نظام مردم سالار و برقراری امنیت در عراق می‌تواند موجب کاهش حضور نیروهای بیگانه گردد

شکل گرفته‌اند، بسیار بالا بوده و چنانچه در این کشور یک دولت فراگیر و مردمی بر سر کار آید یقیناً کاهش سطح اختلافات ارضی و مرزی را به دنبال خواهد داشت یا حداقل این قبیل اختلافات را به سمت یک رویارویی نظامی سوق نخواهد داد.

از سوی دیگر استقرار یک نظام مردم سالار و دموکراتیک که برقراری آرامش و امنیت را در این کشور به دنبال داشته باشد باعث کاهش حضور نیروهای بیگانه و نهایتاً عقب‌نشینی تدریجی آنها می‌گردد این مساله می‌تواند یکی از مهم‌ترین منافع و دستاورد این انتخابات برای ایران تلقی گردد که با هزینه کمتری به این مهم نایل گردیده است. مضافاً بر این که زمینه برای گسترش مناسبات اقتصادی فرهنگی میان دو کشور فراهم گردیده و بستر مناسبی جهت بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی عراق به ویژه در سطح استان‌های مرزی که در اثر ۸ سال جنگ تحمیلی کاملاً آسیب دیده است ایجاد خواهد شد و بدین ترتیب می‌توان به طور جدی با پدیده قاچاق اسلحه، مواد مخدر و سایر کالاها و رفع معضل بیکاری در حاشیه نوار مرزی به طور جدی برخورد و اقدام نمود.

بدیهی است چنانچه دولت آینده عراق در راستای منافع استراتژیک آمریکا تشکیل گردد طبیعی است که رژیم صهیونیستی از مهم‌ترین بازیگران فعال در عراق مطرح خواهد شد که این امر می‌تواند به عنوان مهم‌ترین تهدید آتی علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح گردد. از آن جایی که کردستان عراق همواره در حوزه برخورد ۳ تمدن ایران، عرب و ترک قرار دارد و کردها نیز به سیاست‌های آتی آمریکا اطمینان چندانی ندارند به طور طبیعی اقلیت کردهای عراق به سوی یک شریک اجباری ژئوپلیتیک گرایش پیدا خواهند کرد. از سوی دیگر اسرائیل نیز به طور طبیعی فاقد شریک استراتژیک در منطقه است و چنانچه بتواند با بهره‌گیری از حمایت‌های سیاسی - نظامی آمریکا جایگاه خود را محکم و با ثبات نماید یقیناً در آینده نزدیک تنش‌های ژئوپلیتیک و هیدروپولیتیک (جنگ آب در آینده) در منطقه افزایش خواهد یافت و علاوه بر تامین نفت مورد نیاز خود و دسترسی کامل بر سرشاخه‌های درودخانه مهم دجله و فرات می‌تواند به عنوان اهرم فشاری بر کشورهای منطقه به ویژه جمهوری اسلامی ایران قلمداد گردد که در آن صورت مرزهای امنیتی ایران از جنوب لبنان به نوار مرزی غرب کشور منتقل خواهد شد.

قومی و نژادی از یکدیگر جدا گشته‌اند. سوء استفاده قدرت‌های بزرگ از مفهوم دموکراسی به منظور سلطه بر سایر گروه‌ها می‌تواند به عنوان مهم‌ترین معضل اجتماعی - سیاسی در این قبیل جوامع مطرح گردد. کشور عراق از بدو تاسیس تاکنون به لحاظ ویژگی‌های فوق‌الاشاره همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدات منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح بوده که گسترش و آرایش نیروها و استقرار پایگاه‌های نظامی در طول تقریباً ۱۶۱۰ کیلومتر مرز خشکی و آبی در امتداد ۵ استان مرزی کشور طولانی‌ترین مرز مشترک ایران با سایر کشورهای همجوار در این راستا ارزیابی گردیده و جنگ تحمیلی ۸ ساله از سوی رژیم دیکتاتوری صدام علیه ایران اسلامی نیز می‌تواند به عنوان مهم‌ترین سند این ادعا تلقی گردد لذا هر گونه تحول در این کشور یقیناً بر منافع ملی ایران اثر گذار خواهد بود. با نگاهی گذرا بر فراز و نشیب‌های موجود در روابط خارجی گذشته عراق با ایران مشخص می‌گردد که تمایل به توسعه طلبی ارضی نزد دولت‌های دیکتاتوری که بر پایه تحولات ناسیونالیستی عربی